



# حجاب در ایران، کشاکش در میدان فقه و سیاست

مروری بر کتاب حجاب (نظرگاه‌های تازه سه روحانی ایرانی)  
نوشته لویدریجن

| ۱۲۵ |

کامران محمدحسینی<sup>۱</sup>

## چکیده

کتاب حجاب (نظرگاه‌های تازه سه روحانی ایرانی)<sup>۲</sup> نوشته لویدریجن، بیش از آنکه تحقیقی درباره حجاب و احکام آن باشد، روایتی از درهم‌تنیدگی سیاست و فقه در ایران پس از انقلاب اسلامی است. این کتاب چهار بخش دارد. بخش اول شرحی است از مهم‌ترین اصول استنباط احکام از نواندیشان دینی. موضوع سه فصل بعدی شرح زندگی، اندیشه فقهی و آرای شهید مرتضی مطهری (رح)، احمد قابل و محسن کدیور درباره حجاب است. در هر فصل بخشی از نوشته‌های هریک از این افراد درباره حجاب ترجمه شده و سایر مطالب مقدمه‌ای بر این گزیده‌هاست. مباحث کتاب به بررسی نظرات این سه نفر محدود نیست. از آرای بسیاری دیگر از نواندیشان دینی و حتی مقامات و سیاستمداران ایرانی نیز سخن به میان آمده است. کتاب همچنین به شکل مفصلی تاریخ حجاب و موضع‌گیری‌های سیاسی و تحولات اجتماعی مرتبط به آن را در دوران پس از انقلاب تا زمان نگارش کتاب روایت می‌کند. او بیش از آنکه درگیر شرح استدلال‌های فقهی درباره وجوب یا استحباب و اختیاری بودن حجاب باشد، آن را همچون مسئله‌ای اجتماعی و تاریخی در جامعه معاصر ایران می‌نگرد که ارتباط مستقیمی با تحولات سیاسی در این کشور داشته است. او می‌کوشد نشان دهد چگونه تحولات اجتماعی و سیاسی در تاریخ ایران پس از انقلاب اسلامی به تحول در فتواها و بازاندیشی فقهی در موضوع حجاب انجامیده است. این مقاله صرفاً گزارشی کوتاه از این کتاب است که افزون بر آشنایی با رویکردهای آکادمیای غرب به موضوع حجاب در ایران، زمینه نقد و ارزیابی علمی توسط صاحب‌نظران و کارشناسان این عرصه را فراهم می‌سازد.

کلید واژه‌ها: حجاب، ایران، لویدریجن، روحانیت، حوزه علمیه

۱. پژوهشگر مطالعات تاریخ اسلام و دانش آموخته دکترای تاریخ، دانشگاه تهران.

k.mohammadhoseini@gmail.com

2. Hijab: Three Modern Iranian Seminarian Perspectives. Gingko: London. 2021

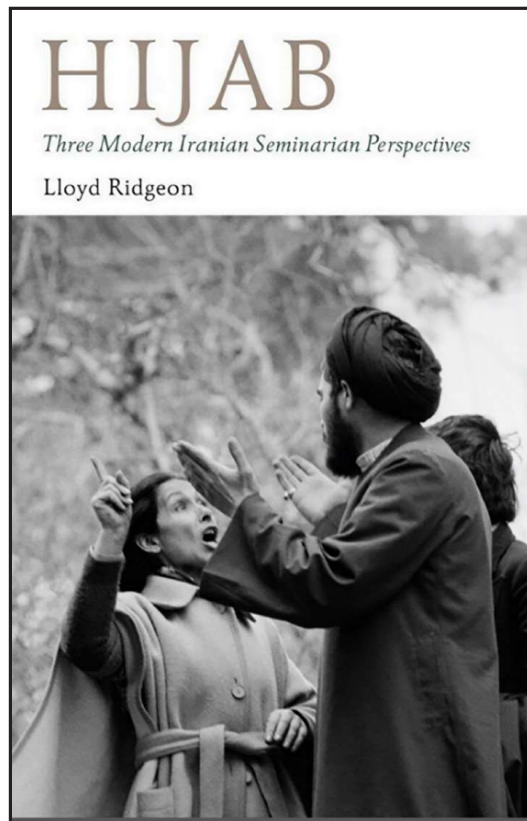


درباره نویسنده: کتاب‌ها و مقالات دکتر لوید ریجن (Lloyd Ridgeon) درباره ایران و اسلام گستره نسبتاً متنوعی از موضوعات را دربرمی‌گیرد. بیشتر آثار وی تاکنون درباره عرفان و تصوف به خصوص در ایران بوده است. در سال ۲۰۰۰ م. کتاب متافیزیک ایرانی و تصوف، گزیده آثار عزیز نسفی را به چاپ رساند و در سال ۲۰۱۷ م. کتابی درباره اوحدالدین کرمانی منتشر کرد. او همچنین پژوهش‌هایی درباره فتوت و جوانمردی در ایران انجام داده است. ریجن علاقه‌مندی خاصی به تحولات تاریخی و فکری و هنری معاصر در ایران دارد. او در سال ۲۰۰۰ م. کتابی درباره سینمای محسن مخملباف با نام آینه‌های شکسته مخملباف، اهمیت سیاسی اجتماعی سینمای مدرن ایران منتشر کرد. پژوهش‌های جدیدتر او بر موضوع نواندیشی دینی تمرکز یافته است. او در سال ۲۰۲۱ م. کتاب حجاب را منتشر کرد که در این یادداشت به تفصیل به آن اشاره خواهد شد. ریجن در سال ۲۰۰۳ م. نیز کتابی درباره احمد قابل با عنوان احمد قابل و تفکر دینی معاصر، شریعت عقلانی در قرن بیست و یکم در ایران را منتشر کرد.





کتاب حجاب (نظرگاه‌های تازه سه روحانی ایرانی)<sup>۱</sup> نوشته لوید ریجن، چهار بخش دارد. بخش اول شرحی است از مهم‌ترین اصول استنباط احکام از نواندیشان دینی. موضوع سه فصل بعدی شرح زندگی، اندیشه فقهی و آرای شهید مرتضی مطهری (رح)، احمد قابل و محسن کدیور درباره حجاب است. در هر فصل بخشی از نوشته‌های هریک از این افراد درباره حجاب ترجمه شده و سایر مطالب مقدمه‌ای برای این گزیده‌هاست. مباحث کتاب



به بررسی نظرات این سه نفر محدود نیست. از آرای بسیاری دیگر از نواندیشان دینی و حتی مقامات و سیاستمداران ایرانی نیز سخن به میان آمده است. کتاب همچنین به شکل مفصلی تاریخ حجاب و موضع‌گیری‌های سیاسی و تحولات اجتماعی مرتبط به آن را در دوران پس از انقلاب تا زمان نگارش کتاب روایت می‌کند. این مقاله گزارشی کوتاه از این کتاب است که صرفاً برای آشنایی جامعه نخبگان با رویکردهای آکادمیای غرب به موضوع حجاب در ایران ارائه شده است و نویسنده این مقاله و مسئولان دوفصلنامه معرفت شیعه با دیدگاه‌های مطرح شده در آن موافق نبوده و بر این باورند که چنین

مقالاتی زمینه نقد علمی و همچنین ضرورت ارائه پژوهش‌هایی کارشناسانه که چهره‌ای دقیق و مشخص از موضوع حجاب همراه با دلایل عقلی و شرعی به جامعه آکادمیک غرب ارائه دهد را مهیا می‌سازد.

## ۱. فقه و سیاست

این کتاب بیش از آنکه تحقیقی درباره حجاب و احکام آن باشد، روایتی از درهم‌تنیدگی

1. Hijab: Three Modern Iranian Seminarian Perspectives. Gingko: London.2021



سیاست و فقه در ایران پس از انقلاب اسلامی است. استقرار جمهوری اسلامی به تشکیل نهادهایی در حوزه علمیه شیعی در ایران انجامید که هرچه بیشتر به دنبال تمرکزبخشیدن تفسیر دین بودند. این نهادها را می‌توان ادامه روند تمرکزگرایی در اجتهاد شیعی دانست که از چند سده پیش تر آغاز شد و با انقلاب اسلامی و شکل‌گیری نهاد رهبری به اوج خود رسید. با این حال، تمرکزبخشیدن به روحانیت دینی و اندیشه فقهی در عمل، هیچ‌گاه به طور کامل ممکن نشد. فقهای مستقل گاهی دچار محدودیت‌ها و فشارهایی بوده، اما به حیات و اظهار نظر خود ادامه داده‌اند.

سیاست جمهوری اسلامی چنان‌که ریجن می‌فهمد، نماینده و مدافع فهمی از اسلام است که امروزه آن را قرائت رسمی از دین می‌خوانند. در برابر این قرائت، گروهی از فقهای شیعه و روحانیون قرار دارند که مستقل از ساختارهای تأیید شده حکومت می‌اندیشند و گاه اختلاف نظر آشکاری با فتوای مورد تأیید و رایج در نهادهای سیاسی دارند. در چنین شرایطی، واضح است که فقه و اظهار نظر فقهی خود به خود امری سیاسی می‌باشد؛ به خصوص اگر درباره موضوعاتی باشد که تأثیر آشکاری در جامعه دارند. حجاب دقیقاً از جمله مسائل فقهی - سیاسی در ایران است.

نویسنده در این کتاب آرای سه تن از فقهای معاصر را پیرامون حکم پوشش سر و گردن زنان (حجاب) طرح و بررسی می‌کند. فقیه نخست شهید مطهری (رح) است. کسی که نظرش در باب حجاب روزگاری متجددانه بود و حتی روحانیون سنتی آن زمان را به مخالفت واداشت؛ اما امروزه آرای او عملاً نظریه رایج، رسمی و تأیید شده از سوی حکومت ایران است. دو فقیه دیگر که آرای آنان در این کتاب بررسی شده است، احمد قابل و محسن کدیور هستند. این دو از نواندیشان دینی‌اند که آشکارا در عرصه سیاسی هم فعال بوده‌اند و دیدگاهشان درباره حکم حجاب با نظر مورد تأیید حکومت سازگار نیست. انتخاب این افراد با رویکرد نویسنده هماهنگ است و سیاسی بودن فقه در ایران را به روشنی و با تأکید نشان می‌دهد. ریجن عرصه سیاست و - به گونه‌ای که توضیح آن بیان خواهد شد - تاریخ سیاسی ایران بعد از انقلاب را از منظر تاریخ تحول فقه روایت می‌کند. به همین دلیل است که حجم زیادی از هربخش کتاب، به شرح زندگی و مواضع سیاسی هریک از متفکران اختصاص یافته است. حال فارغ از موافقت یا عدم موافقت با روایت نویسنده، نگاه تاریخی او به حجاب یکی از



نقاط قوت کتاب است. در حقیقت، او بیش از آنکه درگیر شرح استدلال‌های فقهی درباره وجوب یا استحباب و اختیاری بودن حجاب باشد، آن را همچون مسئله‌ای اجتماعی و تاریخی در جامعه معاصر ایران می‌نگرد که ارتباط مستقیمی با تحولات سیاسی در این کشور داشته است. او می‌کوشد نشان دهد چگونه تحولات اجتماعی و سیاسی در تاریخ ایران پس از انقلاب اسلامی به تحول در فتواها و بازاندیشی فقهی در موضوع حجاب انجامیده است. با این وصف، تعجبی ندارد که برگ‌هایی از کتاب به شرح تحولات سیاسی و معرفی جریان‌ها و شخصیت‌های سیاسی، به خصوص پس از ریاست جمهوری سید محمد خاتمی تا ریاست جمهوری حسن روحانی اختصاص یافته است.

## ۲. انعطاف‌پذیری فقه شیعه

نویسنده بر این باور است که مطالعه حجاب یک موردکاوی مناسب برای نشان دادن انعطاف‌پذیری فقه شیعه و پاسخ‌گویی آن نسبت به مسائل روز است. بررسی موضوع حجاب نمونه‌ای از امکان تحول آرای فقهی متناسب با شرایط فرهنگی و اخلاقی جامعه در زمان‌های گوناگون است. از این رو، روایت او در این کتاب ساختاری تاریخی دارد و نشان می‌دهد که چگونه تصویر یکپارچه روحانیت شیعه درباره واجب بودن حجاب در طول زمان، با تردیدهایی مواجه شده و برخی نظرات جدید فقهی درباره استحباب یا وابسته بودن آن به زمان و مکان سربرآورده است. او بر آن است نشان دهد که چگونه روحانیون راه‌های تازه‌ای را می‌یابند تا متن مقدس را به شیوه‌ای تازه بازخوانی و تفسیر کنند.

نویسنده مدعی است که بررسی‌های او نشان می‌دهد که چگونه نواندیشان دینی تحت تأثیر چرخش اخلاقی<sup>۱</sup> قرار گرفته‌اند. در این چرخش، متن‌گرایی و خوانش آیات قرآن بدون توجه به پیام کلی آن و نیز غلبه حقوق و وظایف بر اخلاق مورد انتقاد قرار گرفته است. از سوی دیگر، به نظر نویسنده بررسی تاریخ تحولات در فتواهای حجاب به نوعی خواست ایرانیان برای سکولاریسم را نیز بازتاب می‌دهد.

## ۳. حکم حجاب

### ۳-۱. دیدگاه شهید مطهری (رح) (وجوب)

دیدگاه شهید مطهری (رح) درباره حجاب که بعد از انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ ش. در



ایران به موضع رسمی جمهوری اسلامی ایران تبدیل شد، هنگام انتشارش مخالفت برخی از روحانیان سنتی را در پی داشت. مطهری در بحث‌هایش درباره حجاب همان قدر که مخاطبان تحصیل کرده و متمایل به فرهنگ غرب را در نظر داشت، روحانیان سنتی را نیز از یاد نبرد. او در عین حال که می‌خواست از حجاب اسلامی دفاع کند و آن را در بین جوانان تحصیل کرده و آشنا به فرهنگ غرب رواج دهد، قصد داشت راه را برای حضور زنان در جامعه باز کند. او مخالف نظرات سنتی بود که می‌پنداشتند زنان باید پنهان باشند. او همچنین با تفسیری از حجاب مخالف بود که بر اساس آن همه بدن زن، حتی صورت و دست‌ها باید پوشیده باشند. به نظر ایشان، زنان نقش مهمی در جامعه دارند که با پوشاندن صورت و دست‌هایشان نمی‌توانند به آن دست پیدا کنند. او بر آن بود که تفکر سنتی پنهان نگاه داشتن زنان، فهم نادرستی از اسلام را ایجاد کرده بود؛ به عبارت دیگر سنت منشأ تفسیر غلط از اسلام شده بود. در چنین شرایطی با هجوم روشنفکران نتیجه آن بود که زنان به طور کلی، سنت دینی را رد کنند.

ریجن بررسی نظرات شهید مطهری (رح) درباره حجاب را با بررسی کتاب اسلام و مقتضیات زمان آغاز می‌کند. مطهری مسئله کلاه را همچون مثالی برای نتایج مفید امکان اجتهاد شیعی مطرح کرده است. کلاه بر سر گذاشتن زمانی نشانه و شعار فرنگیان و در اسلام حرام بود. اما امروزه چنین معنایی ندارد و در نتیجه، حکم این موضوع با توجه به تحول جامعه در زمان تغییر یافته است.<sup>۱</sup>

مطهری (رح) بحث درباره حجاب را در کتاب مسئله حجاب با رد کردن استدلال‌های فلسفی، اخلاقی، اجتماعی و روان‌شناسی از حجاب شروع می‌کند. مثلاً اینکه حجاب زنان نتیجه شیوه تولید باشد، یا ناشی از حسادت مردان باشد یا احساس کمبود زنان یا حتی برای زهد باشد. هدف اصلی حجاب در اسلام تأثیرات مثبت روانی، خانوادگی و اجتماعی است. حجاب همچنین کرامت زن را بیشتر می‌کند.

ایشان با بررسی آیاتی از قرآن که به موضوع حجاب مربوط است، نتیجه می‌گیرد که دستور اسلام درباره پوشش زنان به غیر از وجه و کفین، قطعی است. آنچه مسئله مطهری است، این است که آیا پوشاندن دست‌ها و صورت نیز الزامی است؟ در حقیقت، چنان‌که ریجن

۱. مطهری، اسلام و نیازهای زمان، ج ۱، ص ۱۴۶.



تأکید می‌کند، آنچه بیشتر مورد توجه او بوده است، مسئله پوشاندن صورت و دست‌ها می‌باشد نه پوشاندن موی سر. مطهری بر آن است که پوشاندن چهره و دو دست خود به خود فعالیت زنان را به اندرون خانه و جمع‌های خاص زنان محدود می‌کند.<sup>۱</sup> او برای اثبات جواز پوشاندن وجه و کفین به تفصیل آیات و روایات را بررسی می‌کند.

مطهری در جایی از مباحث خود روایتی از امام صادق (ع) را نقل می‌کند که براساس آن، نگاه کردن به سرزنان بادیه نشین (دهاتی) مانعی ندارد؛ زیرا نهی کردن آنان از این کاری فایده است. او معتقد است که برخی از فقها با استناد به این حدیث، این حکم را به زنان شهری نیز تعمیم داده‌اند.<sup>۲</sup> لوید ریجن با اشاره به این نقل قول، نوع بحث مطهری را عدم اجبار حجاب می‌داند، هرچند تصریحی در این باب ندارد. بنابراین، مطهری با وجود تأکید بر وجوب حجاب در اسلام، اعتقادی به حتمی بودن اجبار آن نداشت. در بحث «خمار» هم آنچه مورد نظر مطهری است، این است که نشان دهد خمار صورت را نمی‌پوشاند.

### ۲-۳. دیدگاه احمد قابل (استحباب)

نویسنده در بخش سوم کتاب، ابتدا به تفصیل به زندگی سیاسی احمد قابل اشاره می‌کند و سپس اندیشه‌های فقهی او را تشریح می‌نماید. او با این کار بیش از همه به کتاب شریعت عقلانی قابل استناد می‌کند. نویسنده هماهنگی و تطابق عقل با وحی، نقد فرهنگ مذهبی معاصر که عقل را کوچک و ایمان را تنها سرسپردگی تعریف می‌کند، بازنگری در نقش و جایگاه مجتهدان، توجه به هرمنوتیک کتاب مقدس و تاریخ‌مندی آن، اعتقاد به پلورالیسم در حوزه دین را پنج عنصر اصلی تفکر احمد قابل دانسته است. مفهوم اصلی در اندیشه احمد قابل، شریعت عقلانی است. به گفته نویسنده، شریعت عقلانی چنان‌که قابل آن را ترسیم می‌کند، راه را برای پاسخگویی شریعت به شرایط امروزین باز می‌نماید. مفهوم عقل در اندیشه قابل با مفهوم عقلانیت جمعی گره خورده است. او بر این باور است که فهم دین را از دایره کوچک علما و روحانیون خارج کند و مفهوم مشترکی از عقلانیت را ملاک فهم متن دینی قرار دهد. از این رو، قابل در نقش مجتهدان بازنگری می‌کند و از خرد جمعی در فهم دین سخن می‌گوید.

۱. مطهری، مسئله حجاب، ص ۱۷۰.

۲. همان، ص ۱۸۱.



او معتقد است که طبیعت عقل، گفتگویی و جمعی می باشد. قابل می نویسد: «مشکل اصلی اندیشه دینی فردگرایی افراطی و نبودن روحیه کار جمعی از یک سو و بی ارزش شمردن نقش دانشمندان علوم انسانی با همه گستردگی آن در کشف مقصود خدای سبحان و صاحب شریعت از سوی دیگر است.»<sup>۱</sup> وی با اشاره به توافق همه مسلمانان بر اینکه عقل حجت انسان در شناخت اصول دین است، این پرسش را مطرح می کند که چگونه چنین حجت الهی در پذیرش فروع دین می تواند بی ارزش باشد. به گفته قابل، عقل حجت باطن و پیامبران حجت ظاهرند و همه قبول دارند که باطن اصل است و ظاهر، فرع.<sup>۲</sup>

ریجن دو نوشته کوتاه احمد قابل درباره حجاب را ترجمه کرده است. یکی، نوشته ای که قابل در آن فتوای خودش را پیرامون استحباب پوشاندن سر و گردن برای زنان در سال ۱۳۸۲ ش. با اشاره به کلیات دلایلش اعلام می کند و دیگری، نوشته ای که گویا در پاسخ به یک نقد نوشته شده و با تفصیل بیشتری با استناد به آرای فقهای پیشین، آیات و روایات، دلایل استحباب حجاب را بررسی کرده است. این دو متن در کتاب احکام بانوان در شریعت محمدی گرد آمده و به صورت اینترنتی منتشر شده است. قابل معتقد است که پوشاندن سر و گردن مستحب است نه واجب. او با بررسی دیدگاه های فقهای پیشین نشان می دهد که همه آنان بر واجب بودن پوشاندن سر و گردن اجماع ندارند. به گفته او، اینکه بدانیم فقهای پیشین درباره احکام حجاب اجماع نداشته اند، راه را برای بررسی بیشتر موضوع باز می کند. ریجن به درستی اشاره می کند که قابل در نوشته اش درباره حجاب، بر آرای مخالف برخی علمای گذشته با قرائت رسمی امروزی تأکید می کند و سعی داد نشان دهد که نظر فقهای اش مخالف سنت علما نیست.

احمد قابل آیاتی را که به وجوب حجاب سر و گردن اشاره دارد را بررسی و به آرای مفسران اشاره می کند. وی نتیجه می گیرد که این آیات بروجوب پوشاندن سر و گردن دلالت ندارد. او درباره آیات سوره نور معتقد است که «هیچ سخن صریحی در مورد لزوم پوشش سر و گردن در آیات سوره نور وجود ندارد؛ بلکه مجاز بودن عدم پوشش قسمت ی از بدن که در عرف زمان نزول وحی، پوشاندن آن رایج نبوده نیز مورد تأیید قرار گرفته است. تحقیقات تاریخی

۱. قابل، شریعت عقلانی، ص ۶۵.

۲. همان، ص ۶۹.



نیز عدم رواج پوشش سروگردن در همه حالات و همه مکان‌های عمومی را تأیید می‌کند.<sup>۱</sup> به نظر او، آیه ۵۹ سوره احزاب نیز بروجوب پوشش سروگردن دلالت ندارد یا دست‌کم نمی‌توان آن را با قاطعیت دارای چنین دلالتی دانست.<sup>۲</sup>

چنان‌که ریجن تأکید می‌کند، آرای قابل در برابر موضع رسمی حکومت درباره حجاب است. احمد قابل با تأکید بر اینکه رعایت عرف در همه جوامع عقلاً لازم است، از ایجاد حریم برای بحث حجاب انتقاد می‌کند. او عنوان «پرچم اسلام بودن حجاب» را بدون دلیل عقلی و نقلی می‌داند و براین باور است که حساسیت زیاد نسبت به حجاب سروگردن زنان از از حالت طبیعی خارج شده است.

### ۳-۳. دیدگاه محسن کدیور (وابستگی حکم حجاب به زمان و مکان)

به‌گفته ریجن، کانون اندیشه کدیور جایگاه برتر عقل است. مقاصد الشریعة از نظر کدیور و دیگر نواندیشان دینی، پایه شناخت احکام الهی است و عدالت و عقل دو ستون اصلی آن می‌باشد. کدیور از فربگی بیش از حد فقه سخن گفته و از اینکه توجه به اعمال و احکام ثانویه باعث غفلت از مقاصد اصلی شریعت شده، گلایه می‌کند. از نظر او اگر سیره عقلایی در زمانه‌ای امری را (مانند ضرب و شتم همسریا برده‌داری) ناعادلانه یا غیرعقلانی بداند، احکام مرتبط به آن نسخ می‌شود. قرآن برای عقل محدودیت زمانی قائل نیست. در نتیجه عقل می‌تواند آیاتی را که به زمانه خاصی مرتبط بوده است، باطل کند. اگر با «عقل قطعی» اثبات شد که به دلیل تغییر شرایط زمانی و مکانی، حکمی عادلانه نیست، معنایش منسوخ شدن حکم و عدم اعتبار آن در شرایط جدید است. به عبارت دیگر، هیچ حکم شرعی نمی‌تواند ظالمانه باشد.

رأی کدیور درباره حجاب این است که حکم پوشش سروگردن ذاتاً واجب نیست، بلکه به شرایط و عرف زمان و مکان بستگی دارد. به بیان دیگر، در زمانه و منطقه‌ای که پوشانیدن مو و سروگردن در میان بانوان متعارف است، به نحوی که پوشانیدن آنها در عرف محلی بر عدم نجابت و عفاف دلالت داشته باشد، پوشانیدن این مواضع به حکم ثانوی واجب است. پوشش مو و سروگردن بانوان در برابر مردان نامحرم در شرایطی که در عرف محلی

۱. احکام بانوان در شریعت محمدی، ص ۷۳. نام خانوادگی نویسنده بیاید؛ منبع در منابع پایانی تکمیل شود

۲. همان، ص ۷۴.



بر عدم نجابت و عفاف دلالتی نداشته باشد، واجب نیست. تشخیص شرایط و عرف به عهده خود مکلف می‌اشد.<sup>۱</sup>

از نظر کدیور، امروزه در جمهوری اسلامی قانون بر حکم شرعی منطبق شده است. در این حالت، حکمی که مختص مؤمنان می‌باشد به همه شهروندان تعمیم داده شده است. در حالی که ایمان مستلزم اختیار است. در حالت فعلی، اجبار حقوقی جای ثواب و عقاب اخروی را گرفته است؛ در حالی که است حکم قرآن وجه امتیاز بانوان مؤمن بر دیگر زنان می‌باشد نه الزام همگانی. کدیور پیشنهاد می‌کند که حد قانونی حجاب باید پایین‌تر از حد شرعی باشد. یعنی لباس متعارفی که اندام زنان را اجمالاً پوشاند، در همان حدی که بیشتر جوامع خود زنان در معابر عمومی رعایت می‌کنند. کدیور این را نیز مطرح می‌کند که در نهایت اگر حکومتی به نام دین و فقه بر سر کار آمده است، می‌تواند این الزام را درباره کارمندان و در محیط‌های اداری اجرا کند.<sup>۲</sup>

ریجن در کتاب خود دو مقاله نخست از سلسله مقالات محسن کدیور با عنوان «تأملی در مسئله حجاب» را با هدف آشنایی با شیوه پژوهش او ترجمه کرده است.

### منابع

۱. مطهری، مرتضی، اسلام و نیازهای زمان، تهران: صدرا، بی‌تا.
۲. —، مسئله حجاب، تهران: صدرا، بی‌تا.
۳. قابل، احمد، احکام بانوان در شریعت محمدی.
۴. قابل، احمد، شریعت عقلانی، ۱۳۹۱ ش.